

مجله‌ی علمی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال دهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۹۸ (پیاپی ۲۰)، صص ۵۷-۷۸

بررسی علل به‌وجودآمدن احساس حقارت در شخصیت‌های کتاب‌های کنسرو غول و یوناتارای گم‌شده

هدی ژیان جهانی*

دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

مهدخت پورخالقی چترودی** حمیدرضا آقامحمدیان شعراف***

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

روان‌شناسی و کاربرد آن در زندگی امروزه اهمیت بسیاری دارد. این علم از دیرباز با سایر علوم از جمله ادبیات ارتباط دوسویه‌ای داشته است. در این‌گونه از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، آثار نویسندگان از جنبه‌های مختلف روان‌شناسی تحلیل و بررسی می‌شوند. در این جستار با وام‌گرفتن از «نظریه‌ی شخصیت» آدلر، روان‌شناس اتریشی، به علل ایجاد احساس حقارت در شخصیت‌های دو اثر از مهدی رجیبی، به نام‌های کنسرو غول و یوناتارای گم‌شده، پرداخته‌ایم. محیط (خانه و مدرسه) از علت‌های اساسی ایجاد احساس حقارت در کودک و نوجوان شناخته شده است. در این پژوهش تأثیر محیط خانه در شکل‌گیری احساس حقارت در فرد مانند افسردگی والد، داغ‌دیدگی، فقر و نداشتن سرپرست مناسب و تأثیر محیط مدرسه در شکل‌گیری احساس حقارت در فرد چون آزار و اذیت فیزیکی، نسبت‌دادن صفات ناپسند از جانب دانش‌آموزان و سرزنش مریبان، در شخصیت‌های این دو اثر، بررسی شده است. این پژوهش با رویکرد کیفی تحلیل محتوا بررسی شده و جملات و معانی مستتر در آن نیز بر اساس نظریه‌ی شخصیت آدلر از نوع تحلیل قیاسی انجام شده است. نتایج

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی hzjahani@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

** استاد زبان و ادبیات فارسی dandeline@um.ac.ir

*** استاد روانشناسی تربیتی aghamohammadian@um.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۹/۲۰

این پژوهش نشان داد محیط مدرسه نسبت به محیط خانه در به‌وجود آمدن احساس حقارت در شخصیت‌های داستانی رجبی، تأثیر بیشتری دارد. با توجه به بررسی نمونه‌های متن در این دو اثر، علل به‌وجود آمدن احساس حقارت هم در بخش تأثیر محیط خانه و هم در بخش تأثیر محیط مدرسه، در رمان نوجوان کنسرو غول بیشتر از کتاب *یوناتارای گم‌شده* مشاهده می‌شود. تأثیر محیط خانه و محیط مدرسه در ایجاد احساس حقارت در توکا، شخصیت اصلی کتاب *کنسرو غول*، نیز نمود بیشتری دارد. واژه‌های کلیدی: آلفرد آدلر، احساس حقارت، کنسرو غول، مهدی رجبی، *یوناتارای گم‌شده*.

۱. مقدمه

رابطه‌ای که علم روان‌شناسی با سایر علوم، به‌ویژه ادبیات برقرار کرده است، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. پس از اینکه فروید ناخودآگاه، زبانی شدن ساختار ناخودآگاه و همچنین مکتوب شدن روان انسان در قالب داستان را کشف کرد، ادبیات به روان‌کاوی نزدیک شد. حقارت احساسی است که خواسته یا ناخواسته، بشر از دوران کودکی با آن روبه‌رو بوده است. هرگاه احساس‌های حقارت درمان نشود و فرد روزبه‌روز بیشتر از قبل از احساس حقارت (inferiority feeling) خود در شرایط مختلف رنج برد، آن احساس تبدیل به عقده‌ی حقارت (inferiority complex) خواهد شد. نظریه‌ی «عقده‌ی حقارت»، متعلق به آلفرد آدلر (Alfred Adler) (۱۸۷۰-۱۹۳۷) نظریه‌پرداز اتریشی است. وی در هفتم فوریه‌ی ۱۸۷۰ میلادی در خانواده‌ای متوسط در رودولفسهایم واقع در حومه‌ی وین متولد شد (رک. Rietveld, 2004: 209). ادوارد هافمن که دقیق‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌نامه‌ی آدلر را نوشته است، نقل می‌کند آدلر در دوران کودکی، بچه‌ی ضعیف و مریض‌احوالی بوده و در کودکی دچار نرمی استخوان شده و از اسپاسم حنجره رنج می‌برده است (رک. Hoffman, 1994: 8). او در چهارسالگی به علت سینه‌پهلو نزدیک به مرگ بود و وقتی از دکتر شنید که به پدرش می‌گوید پسران از دست رفته است، تصمیم گرفت که خودش پزشک بشود (رک. Orgler, 1963: 19). او برای رسیدن به آرزویش، در دانشگاه وین به تحصیل پزشکی پرداخت و در سال ۱۸۹۵ میلادی مدرک پزشکی گرفت (رک. ابرست، ۱۳۸۹: ۱۳) و سرانجام، در می ۱۹۳۷ در پنجاه‌وششمین سفر سخنرانی خود، در آبردین اسکاتلند، دچار حمله‌ی قلبی شد و درگذشت (رک. کریمی، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۵).

آدلر انسان را شخصی که در اجتماع زندگی می‌کند، معرفی می‌کرد و نظریه‌ی روان‌شناسی خود را بر مبنای «فرد» بنا کرد. او مکتبش را روان‌شناسی فردی (Individual Psychology) نامید و نظریه‌های روان‌شناسانه و اجتماعی خود را با عنوان «روان‌شناسی فردی» گسترش داد و آثار متعددی در این زمینه نوشت. نظریه‌ی روان‌شناسی فردی آدلر از دو قسمت عمده‌ی نظریه‌ی عقده‌ی حقارت و سبک زندگی تشکیل شده است. مکتب آدلر و نظریه‌های او نه تنها درباره‌ی زندگی روانی انسان سالم یا بیمار به تحقیق می‌رسد، بلکه این مکتب از نظر وسعت تحلیل می‌تواند تا دورگاه اشکال تخیل نویسندگان بزرگی که عقاید و تفکرات خود را درباره‌ی انسان و عالم او تجسم بخشیده‌اند، نیز پیش رود (رک. آدلر، ۱۳۷۰: ۲۲۷). «مسئله‌ی عقده‌ی حقارت امری کوچک و ساده نیست. عقده‌ی حقارت نوعی روان‌رنجوری است و در طول زندگی مطرح است» (آتش‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

راجشواری (Rajeshwari, 2012: 1) در مقاله‌ی «احساس حقارت و ناامیدی در نوجوانان» اثبات می‌کند احساس حقارت در میان نوجوانان به‌طور فزاینده‌ای هشداردهنده است. سال‌های نوجوانی سال‌های اول تحمل بار احساس حقارت است. احساس حقارت نوعی مشکل روانی است که معمولاً در بلوغ اتفاق می‌افتد. دلایل آن پیچیده است و تأثیرهای منفی و مضری دارد. بر اساس نظریه‌ی عقده‌ی حقارت آدلر، زمانی شخص خود را در موقعیت حقارت می‌یابد که افراد دیگر جامعه، توانایی‌ها و طرز رفتارشان را پس زنند. این مسئله باعث بروز عقده‌ی حقارت در فرد می‌شود. هر چیزی که میانگین کمتری در جامعه داشته باشد و به نتیجه‌ای نامطلوب منجر شود و به فرد احساس عجز و ناتوانی دهد، می‌تواند زمینه‌ساز احساس حقارت در او شود. نوجوانانی که در درس‌های خود ناموفق‌اند و بارها شکست در این زمینه را تجربه کرده یا دچار افت تحصیلی شده یا با سطح توقع زیاد والدین مواجه شده‌اند، بیشتر مواقع دچار احساس حقارت می‌شوند. همه‌ی ما کم‌وبیش احساس حقارت داریم؛ اما زمانی که این احساس در وجودمان گسترش یابد و عمیق شود، به‌صورت آسیب روانی درمی‌آید؛ بدین گونه که فرد را در یأس و ناامیدی فرومی‌برد و برای رهایی از آن تلاش بسیاری نیاز است؛ بنابراین تبدیل به عقده‌ی حقارت می‌شود (رک. آتش‌پور، ۱۳۹۴: ۴۳).

محیط خانه و محیط مدرسه، محیط‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت کودک هستند. اخوان علی‌زاده معتقد است عواملی از قبیل فرهنگ، وضعیت اقتصادی و

موقعیت اجتماعی والدین از جمله شرایطی هستند که باعث به وجود آمدن روحیات متفاوت در کودکان می‌شوند (رک. اخوان علی‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۲). به‌طور کلی موقعیت کودک در خانواده، تعداد و جنسیت فرزندان و ترتیب تولد آن‌ها، نحوه‌ی ارتباط او با همسالان یا سایر وابستگان و عوامل اقتصادی فرهنگی همگی در شکل‌گیری شخصیت کودک مؤثرند. رشد اجتماعی، عقلانی، عاطفی و فراگیری مهارت‌های بدنی در هر کودک، محدود به امکاناتی است که خانواده برای او فراهم می‌کند.

روانشناسان معتقدند رفتار پدر و مادر در تکوین شخصیت و منش کودک مؤثر است. این تأثیر در همه‌ی کودکان یکسان نیست و به خلق و خوی کودک بستگی دارد؛ همچنین در تحقیقاتی گسترده به این نتیجه رسیده‌اند که «خانواده‌ی مطلوب و ایدئال، خانواده‌ای است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، احساس تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را تأمین کند. هنگامی که کودکی از محبت و عشق خانواده‌اش بهره‌مند شود، امکان و فرصت بیشتری برای نیل به استقلال و مسئولیت خواهد داشت» (همان: ۲۴-۲۶).

احساس حقارت از دوران طفولیت به وجود می‌آید. محیط خانه نیز در شکل‌گیری و تداوم احساس حقارت و تبدیل آن به عقده‌ی حقارت در کودک و نوجوان، نقش بسزایی دارد. در این پژوهش سعی بر آن است تأثیر محیط (خانه و مدرسه) بر ایجاد احساس حقارت در شخصیت‌های کتاب *یوناتارای گم‌شده* و رمان *نوجوان کنسرو غول* نوشته‌ی مهدی رجبی،^(۱) نویسنده‌ی کودک و نوجوان، بررسی شود. نویسندگان آثار کودک و نوجوان می‌توانند با برجسته‌کردن مشکلات روان‌شناختی در شخصیت‌های داستانی، گام‌های مؤثری در کاهش و درمان آن مشکلات از طریق آثار ادبی بردارند.

۲. بیان مسئله

پرداختن به مباحث روان‌شناسی در رمان، به‌خصوص رمان نوجوان حائز اهمیت است؛ زیرا نوجوان با بحران بلوغ روبه‌روست و رویکرد روان‌شناسانه در خلق آثار داستانی علاوه بر افزودن به جذابیت داستان، جنبه‌ی آموزشی نیز می‌یابد. در شخصیت‌های آثار مهدی رجبی مشکلات روان‌شناختی، از جمله احساس‌های مربوط به حقارت وجود دارد. پژوهش و ژرف‌نگری علمی در نظریه‌های روان‌شناسی و تطبیق آن در متن و مقایسه‌ی آن با شخصیت‌های داستانی تأثیر زیادی در بازگشایی ابهامات، درک بهتر متن، شناخت اهداف نویسنده از نگارش آثار ادبی دارد.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی با عنوان تحلیل روان‌شناختی شخصیت بر اساس نظریات روان‌شناسانی چون یونگ، فروید، آدلر، هورنای، مزلو و... در آثار داستانی بزرگ‌سال نگاشته شده است؛ اما به بررسی و تحلیل نظریات روان‌شناختی شخصیت در ادبیات کودک و نوجوان توجه چندانی نشده است. در این زمینه می‌توان به پایان‌نامه‌ی ژیان‌جهانی (۱۳۹۶) اشاره کرد که در آن هفت اثر از مهدی رجبی بر اساس نظریه‌ی عقده‌ی حقارت آدلر، تحلیل روان‌شناختی شده است؛ همچنین از جمله پژوهش‌هایی که بر آثار رجبی شده است می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: دیندار (۱۳۹۳) عناصر داستانی و نقاط قوت و ضعف در کتاب کنسرو غول را بررسی کرده است؛ ژیان‌جهانی و دیگران (۱۳۹۶) کتاب *خاطرات چوپان چاق* مهدی رجبی را در فضایی پست‌مدرن و طنزآمیز بررسی کرده‌اند؛ میرابوطالبی و دیگران (۱۳۹۶) بر اساس الگوی قهرمان جوزف کمبل، رمان کنسرو غول را از منظر روان‌شناختی کهن‌الگویی بررسی کرده‌اند؛ اسدی (۱۳۹۶) با بهره‌گیری از نظریه‌ی «بینامتنیت ضمنی»، داستان کنسرو غول را از منظر شیوه‌ی روایت، شخصیت‌پردازی، بن‌مایه‌ها و برخی توصیفات با داستان بوف کور، مقایسه کرده است. همچنین آقاپور (۱۳۹۶) در رساله دکتری خود با عنوان *تقابل در رمان نوجوان ایران، پنج رمان از جمله کنسرو غول* را از منظر دو تقابل بنیادین ادبیات نوجوان با بهره‌مندی از نظریه‌های فوکو (Michel Foucault) و استیونز (John Stephens) در تبیین تقابل‌ها بررسی کرده است.

۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به پیوند علم روان‌شناسی و ادبیات در مطالعات میان‌رشته‌ای، فقدان پژوهش و تحلیل روان‌شناختی آثار کودک و نوجوان احساس می‌شود. به همین سبب در این جستار علل به‌وجود آمدن احساس حقارت را در رمان نوجوان کنسرو غول و کتاب *یوناتارای گم‌شده* تحلیل و بررسی می‌کنیم.

۵. بحث و بررسی

در این پژوهش، محیط، مهم‌ترین عامل ایجاد احساس حقارت را در دو بخش تأثیر محیط خانه و محیط مدرسه در ایجاد احساس حقارت در شخصیت‌های رمان نوجوان کنسرو غول و کتاب *یوناتارای گم‌شده* بر اساس نظریه‌ی آدلر بررسی می‌کنیم.

۵. ۱. علل به‌وجودآمدن احساس حقارت؛ محیط خانه

محیط مهم‌ترین عامل به‌وجودآمدن احساس حقارت است و نقش اساسی و تأثیرگذار در ایجاد این احساس در کودک دارد. زندگی احساسی طفل در اولین روزهای کودکی، پایه‌ریزی می‌شود. طفل از همان اول می‌فهمد که با گریه و زاری و جیغ‌وداد بر محیط خارج باید غلبه کند یا باور می‌کند که کسی هست که وضع او را می‌فهمد و شرایط محیط را برایش مساعد می‌کند (رک. براید، ۱۳۷۱: ۹-۱۰).

محیط خانه و خانواده در تداوم و شکل‌گیری احساس حقارت و به‌صورت گسترده‌تر، عقده‌ی حقارت در کودک بسیار مؤثر است (رک. منصور، ۱۳۶۹: ۱۷). احساس حقارت، از سال‌های آغاز زندگی به علت ناتوانی در کودک و حساسیت او به محیط زندگی و تأثرات ذهنی وی در قبال وقایعی که در اطرافش رخ می‌دهند، ایجاد می‌شود؛ زیرا او هنوز برای بقای فردی و تأمین ضرورت‌های طبیعی و حیاتی خود، موجودی وابسته است و به کمک دیگران نیاز دارد (رک. منوچهریان، ۱۳۶۸: ۱۸-۱۹).

شخصیت‌های داستان‌ها انعکاس نمونه‌های واقعی افراد جامعه هستند و با بررسی دقیق شخصیت‌های داستان کمابیش به وجود احساس کمبود در آن‌ها پی می‌بریم. برخی از شخصیت‌ها معترف و آگاه به احساس حقارتشان هستند، اما همیشه بدین گونه نیست. گاهی مخاطب احساس حقارت و عقده‌ی حقارت را از کنش و رفتار شخصیت درمی‌یابد.

۵. ۱. ۱. بررسی تأثیر محیط خانه در ایجاد احساس حقارت در شخصیت‌های کتاب

کنسرو غول

شخصیت‌های کتاب کنسرو غول مهدی رجبی: توکا (شخصیت اول داستان)، مادر توکا، پرویز (شخصیت داستانی کتابی که توکا به آن علاقه‌مند است)، جلاد (معلم توکا) و دانش‌آموزان مدرسه اعم از ژاکت، کباب و بروکلی. توکا شخصیت اصلی این داستان علاقه‌ی بسیار زیادی به نام‌گذاری افراد بر اساس ویژگی‌های شخصی آن‌ها دارد. خودش تنها فرزند خانواده است. او پدرش را از دست داده است و مادرش از بیماری افسردگی رنج می‌برد؛ پسری لاغر، ضعیف و تنه‌است و همیشه در عالم تخیل به‌سر می‌برد و در مدرسه نیز وضعیت درسی و اجتماعی مناسبی ندارد. توکا علاقه‌ی بسیاری به فیلم‌ها و

داستان‌های جنایتکاران دارد و دوست دارد روزی جنایتکار بشود. او از درس و مدرسه بیزار است؛ بنابراین محیط خانه و مدرسه علت به وجود آمدن احساس حقارت در وی می‌شود. توکا روزی از پیرزنی دست‌فروش، کتابی به نام *خاطرات یک جنایتکار می‌خرد* و سرگذشت و زندگی و افکار شخصیت اصلی داستان را الگوی خود قرار می‌دهد. روزی دیگر کنسروی را که پیرزن دست‌فروش ادعا دارد درونش غول است، دور از چشم پیرزن مرموز برمی‌دارد و این کنسرو مقدمه‌ی تخیل و خیال‌بافی جدید برای او می‌شود. غولی را که از کنسرو بیرون می‌آید، کسی جز خودش و بچه‌های بسیار کوچک که قادر به حرف‌زدن نیستند، نمی‌توانند ببینند. رفتار، صحبت‌کردن و علایق این غول بسیار عجیب است؛ اما موجب جرقه‌ی استعدادی عجیب در علم ریاضی توکا می‌شود و سرانجام وی در خانه و مدرسه محبوب می‌شود و انزوا و احساس حقارتش بهبود می‌یابد.

۵. ۱. ۱. بررسی تأثیر محیط خانه در ایجاد احساس حقارت در شخصیت توکا؛

بررسی افسردگی در مادر توکا

رویکرد آدلری چنین فرض می‌کند که قسمت زیادی از بدرفتاری کودکان و نوجوانان از محیط خانه و خانواده آغاز شده و به وسیله‌ی آن در محیط، تداوم می‌یابد. گسترش روزافزون خانه‌های تک‌والدی، وظیفه‌ی ایجاد محیط خانوادگی استوار و تربیت کودکان بهره‌مند از بهداشت روانی را بسیار دشوار می‌کند (رک. خدابخش، ۱۳۹۳: ۱۲). افسردگی مادر توکا مهم‌ترین عامل ایجاد احساس حقارت در توکا است. مادر توکا برای درمان افسردگی‌اش همراه به روان‌پزشک مراجعه می‌کند. افسردگی از اختلالات روانی مهم و جدی است و دلایل متعدد زیستی، روانی و اجتماعی دارد. ویژگی اختصاصی افسردگی خلق ناشاد و فقدان علاقه و لذت در بیشتر فعالیت‌های عادی و سرگرمی‌های فرد است. «شاخص‌هایی نظیر داغ‌دیدگی، کم‌اشتهایی یا تغییر وزن، اشکال در خوابیدن، فقدان نیرو، آشفتگی روانی حرکتی یا واکنش کند و... از عوامل مطرح در افسردگی هستند. ممکن است اضافه‌وزن یا چاقی تحت شرایط خاصی باعث بروز علائم افسردگی در افراد شود و گاهی نیز خود افسردگی اضافه‌وزن و چاقی به همراه می‌آورد.» (گل‌پرور، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

الف. کم‌تحركی و افزایش وزن: توکا افزایش وزن و کم‌تحركی مادرش را از نشانه‌های اصلی افسردگی می‌داند: «مامان جلو تلویزیون و روی کاناپه‌ی کهنه‌ی شکلاتی‌رنگ سه‌نفره خوابش برده بود و خرناس می‌کشید. چند تا مجله که توشان

عکس زن‌های لاغر و قشنگ داشت، روی زمین افتاده بودند. مامان چاق و گوشتالو بود و همیشه جلو تلویزیون خوابش می‌برد.... بعد از مرگ اتابک افسردگی گرفت و خودش را توی خانه زندانی کرد.» (رجبی، ۱۳۹۳: ۱۷).

ب. داغ‌دیدگی: داغ‌دیدگی از دیگر عوامل ایجاد افسردگی در فرد است. توکا پدرش را اتابک می‌نامد و خودش اقرار می‌کند مادرش بعد از فوت پدر به افسردگی مبتلا شده است. کودکی که مادرش در خانه به او توجه نکند و از طرفی همیشه مادرش را تنها و افسرده، کم‌کار و عصبی ببیند، بی‌شک دچار مشکلات روحی خواهد شد. جو حاکم بر خانواده که شامل صمیمیت بین آنان، میزان علاقه و وابستگی، وحدت و همبستگی یا بالعکس برقرارنشدن رابطه‌ی مساعد بین افراد است، نحوه‌ی ارتباط اعضای خانواده بین یکدیگر را نشان می‌دهد. «تزلزل خانواده که در اثر عوامل متعدد و مثلاً مرگ یکی از والدین، متارکه و جدایی یا دعوا و مشاجره به وجود می‌آید، در ازهم‌گسیختگی کانون خانواده تأثیر فراوان دارد. در چنین مواقعی به‌خصوص اگر کودک نسبت به پدر یا مادر خود تعلق خاطر و وابستگی داشته باشد، به‌شدت احساس کمبود محبت کرده و خود را بدون پشتوانه احساس می‌کند» (اخوان علی‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۳).

ج. کم‌کاری: مادر توکا کم‌کار است و توجه کافی به فرزند خود ندارد. او حقوق بازنشستگی همسر مرحومش را برای خریدن غذاهای فرآوری شده خرج می‌کند. کودک نیازمند تغذیه‌ی سالم است؛ اما توکا در محیط خانه از این حق طبیعی محروم است: «طبق معمول باید کنسرو می‌خوردم. مامان زیاد حوصله‌ی غذا پختن نداشت. عوضش عاشق کنسرو و غذاهای حاضری مثل سوسیس و کالباس بود. بیشتر حقوق بازنشستگی اتابک را می‌داد پای خریدن کنسروهای جورواجور» (رجبی، ۱۳۹۳: ۱۸).

د. زندگی بی‌هدف: باتوجه‌به نشانه‌های افسردگی در افراد که پیش‌تر بدان اشاره شد، پرخوابی هرروزه، احساس بی‌علاقگی و پوچی نیز در مادر توکا وجود دارد: «مامان داشت تکانم می‌داد. صبح‌ها کارش همین بود. چشم که باز می‌کردم هیکل چاق و گوشتالویش را می‌دیدم که مثل یک گول بزرگ بالای سرم ایستاده و تکانم می‌دهد. حرف نمی‌زد. فقط تکانم می‌داد و تا وقتی از تخت بیرون نمی‌آمدم، ماجرا ادامه داشت. صبح‌ها برای مدرسه رفتنم ساعت کوک می‌کرد. وقتی من می‌رفتم مدرسه، دوباره می‌خوابید.» (همان: ۲۸ و رک. ۷۲).

ه. پرخوری عصبی: پرخوری عصبی در مادر توکا فضای پراسترسی در خانه ایجاد می‌کند. «مامان عصبی شده بود و ناخن‌هایش را می‌جوید، ولی هیچ‌چیز سیر نمی‌شد. آن‌قدر شام خورد که نفسش بند آمد. چهارتا کنسرو کامل! گفتم که وقتی عصبی باشد، مثل جاروبرقی می‌شود.» (همان: ۶۵).

و. انزوا: تنهایی و انزوا در مادر نیز باعث به‌وجود آمدن محیطی سرد و بی‌روح در خانه می‌شود. ارتباط‌نداشتن با افراد و تمایل به تنهایی، می‌تواند به کودک منتقل شود؛ به همین دلیل توکا نیز منزوی است و نمی‌تواند به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کند: «صدای زنگ تلفن بلند شد. مامان یهو از ترس تکان خورد... مامان سرش را گرفت بین دست‌هاش و گفت: هر کی بود بگو نیست! بگو رفته بیرون! بگو مرده! بگو لعنتی‌ها ولم کنید!» (همان: ۱۷۵).

از جمله نکاتی است که در کتاب کنسرو غول مشاهده می‌شود به شرح زیر است: تسلیم شدن توکا در برابر جبر مادر؛ غفلت مادر از وی؛ واکنش‌های شدید و عصبی مادر همچون جیغ کشیدن، گریه کردن و ارتباط‌نداشتن کلامی با توکا به مدت طولانی در برابر اعتراض توکا به شرایط زندگی، چون نداشتن غذای گرم و خانگی (رک. همان: ۱۸)؛ ناخن جویدن‌های مکرر و طولانی مادر (رک. همان: ۸۷ و نیز ۱۰۸ و ۱۱۱)؛ داشتن عقاید خرافی و مقابله با رویه‌ی ذاتی کودک مانند مجبور کردن توکا در نوشتن با دست راست (رک. همان: ۵۰). کودک نباید فکر کند مادر به او فرمان می‌دهد، فرمان اگر دوستانه باشد، مادر و کودک با هم دوست می‌شوند. در این صورت کودک با میل و رغبت، به فرمان مادر، هرچند دشوار باشد، عمل می‌کند و مسئله‌ی ترس و اجبار از بین می‌رود (رک. اخوان علی‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۴). محیط خانواده‌هایی مانند توکا که پدر فوت کرده و مادر افسرده است و رفتار محبت‌آمیز با فرزندانش ندارد و تنها به او دستور می‌دهد و محیطی دیکتاتوروار یا مدارسالارانه خلق کرده است، باعث بروز نداشتن اعتماد به نفس و انگیزه و استقلال و انتخاب انزوا و تنهایی در کودک می‌شود. «کودکان چنین خانواده‌هایی معمولاً ضعیف‌النفس، مضطرب، بی‌اراده، منزوی و نسبت به دیگران دچار بدبینی و عدم اطمینان هستند.» (همان: ۲۴).

تأثیر محیط خانه در گسترش احساس حقارت در توکا همیشگی نیست. کشف استعداد ریاضی او که به واسطه‌ی تخیلش رخ می‌دهد، در کاهش احساس حقارت وی و همچنین در برطرف شدن افسردگی مادرش مؤثر است. در پایان داستان، با پیشرفت چشمگیر توکا در مسائل درسی و تعاملات اجتماعی در مدرسه، محیط خانه نیز تبدیل به مکانی شاد می‌شود.

۵. ۱. ۱. بررسی تأثیر محیط خانه در ایجاد احساس حقارت در شخصیت پرویز یکی دیگر از شخصیت‌های رمان نوجوان کنسرو غول، پرویز یا همان «جنایتکار کِک» است. پرویز شخصیت کتابی به نام *خاطرات یک جنایتکار* است که توکا به او علاقه دارد و تأثیرگذار است. توکا همواره خود را با او مقایسه می‌کند و در ابتدای راه از او الگو می‌گیرد تا بر احساس حقارت خویش غلبه کند.

الف. نداشتن والدین: پرویز نیز در یادداشت‌های خود به شرح زندگی‌نامه‌ی خود پرداخته و به عقده‌ی حقارت خود واقف است و محیط خانه‌اش را عامل اصلی بروز این عقده می‌داند: «مادره رو اصلاً یادم نمی‌آد. یه سالم که بوده تو تصادف می‌میره.» (رجبی، ۱۳۹۳: ۱۴ و نیز رک. به: ۳۶، ۳۵، ۳۲، ۲۰).

از دست دادن پدر و مادر در سنین اندک و رشد و نمو در محیطی نامساعد به شکل‌گیری احساس حقارت در وجود پرویز و جنایتکارشدنش منجر می‌شود. محیط خانه تأثیر فراوانی بر شخصیت پرویز گذاشته است. «در خانواده‌هایی که پدر وجود ندارد و مادر مشغول کار در خارج از خانه است و یا بر اثر اعتیاد یا طلاق و یا عوامل دیگر نابسامانی‌هایی در خانواده به چشم می‌خورد، احتمالاً کودکان به فرار از مدرسه، دروغ‌گویی، دزدی و دیگر رفتارهای بزهکارانه دست می‌زنند. مبنای خانواده در سلامت روان نه تنها یک ضرورت بیولوژیکی، بلکه روانی است.» (اخوان علی‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۳).

پرویز با توجه به شرایط دشوار در زندگی و نداشتن سرپرست مناسب، بزهکار می‌شود و عقده‌ی حقارت که از کودکی در او ریشه دوانده، اکنون در او نهادینه شده است. پرویز مسیر نادرستی در زندگی انتخاب می‌کند و توکا تا میانه‌ی داستان او را الگوی خویش قرار داده است. توکا دوست دارد مانند پرویز خشن، قوی و جنایتکار باشد، اما زمانی که زندگی روی خوشش را به او نشان می‌دهد، توکا، پرویز و خاطرات جنایتکاریش را به فراموشی می‌سپارد.

۵. ۱. ۲. بررسی تأثیر محیط خانه در ایجاد احساس حقارت در شخصیت‌های کتاب

یوناتارای گم‌شده

یوناتارای گم‌شده اثر دیگر مهدی رجبی است. داستان این کتاب درباره‌ی زندگی پسر بچه‌ای به نام بشیر است که مادرش را مدت‌ها پیش از دست داده و با پدر و

مادر بزرگ (بی‌بی) و خواهر کوچکش (آسیه) در جنوب ایران زندگی می‌کند. بشیر از کوچک بودن اندام و ضعیف بودن چشم‌هایش احساس حقارت می‌کند. پدرش نیز منزوی و افسرده است و از فقر رنج می‌برد.

الف. فقدان مادر: فقدان مادر تأثیر بسیاری در روحیه‌ی بشیر دارد و او را رنجور و حساس کرده و کمبود محبت مادری و احساس غمگین بودن را که به شکل‌گیری احساس حقارتش منجر شده، افزایش داده است: «یک‌دفعه یاد مامانم افتاده بودم. حتی قیافه‌اش را هم خوب یادم نمی‌آمد. چون وقتی من و آسیه خیلی کوچولو بودیم مرده بود، ولی بی‌بی می‌گفت رفته است به آسمان» (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۶). «بغض پیچید در گلویم. لرز افتاد به چانه‌ام: من هم دلم برای مامانم تنگ شده. می‌خواهم مامانم را ببینم!» (همان: ۱۷).

ب. انزوای پدر: انزوا و کم‌حرفی پدر از دیگر عوامل محیطی هستند که به افزایش احساس کهنتری در وجود بشیر دامن می‌زنند. پدر بشیر کم‌حرف و گوشه‌گیر است و ارتباط عاطفی و کلامی چندانی با فرزندش ندارد. بشیر پدرش را با سه نشان توصیف می‌کند: تنهایی، حرف‌نزدن و سیگارکشیدن. این انزوا و سکوت پدر بر محیط خانه و در ایجاد احساس کهنتری و حقارت بشیر تأثیرگذار است: «بابام خیلی کم حرف می‌زد. همیشه تو فکر بود. خانه که می‌آمد یا سیگار می‌پیچاند یا زبان می‌کشید به کاغذ سیگارش یا سیگار را می‌گذاشت گوشه‌ی لبش و دود می‌کرد. بیشتر کارهایش با سیگار بود. بی‌بی می‌گفت که من و آسیه را از همه‌ی دنیا بیشتر دوست دارد. ما جز بی‌بی هیچ‌کس دیگری را در دنیا نداشتیم. پس دوستش داشتیم و چه قدرش را دیگر زبانمان نمی‌چرخید که به کسی بگوییم» (همان: ۳۲ و نیز رک. ۴۷، ۳۳، ۱۶).

ج. فقر: فقر از دیگر عواملی است که باعث احساس حقارت در ضمیر بشیر می‌شود: «چرا باباهایمان همیشه بی‌پول‌اند؟! چرا مجبورند یکسره بزنند به دریا؟!» (همان: ۱۸). بشیر و سلمان دو دوست صمیمی هستند که همیشه از فقر سخن می‌گویند: «بابام سر سفره یک کلمه هم حرف نزد. هر وقت همچین حالی داشت، همه‌مان می‌دانستیم که آن روز صید خوب نبوده و دریا خسیس بوده» (همان: ۳۳).

در این کتاب، محیط در شکل‌گیری احساس حقارت در شخصیت اصلی داستان (بشیر) مؤثر است. نداشتن مادر، انزوای پدر و فقر که محیطی ناشاد را در خانه ایجاد کرده است،

باعث احساس کمبود در شخصیت کودک می‌شود. این کمبودها می‌توانند در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر بسزایی داشته باشند؛ همچنین زمینه‌ساز ایجاد عقده‌ی حقارت در کودک شوند؛ اما تأثیرات منفی محیط خانه در کتاب *یوناتارای گم‌شده* رفع می‌شود. بشیر هیچ‌وقت دست از هدف خود که خوب درس خواندن است، نمی‌کشد. او و آسیه به شدت تحت تأثیر قصه‌های بی‌بی هستند و تحت تأثیر آن قصه‌ها خیال‌پردازی می‌کنند. بشیر تحت تأثیر همین خیال‌بافی‌ها موجودی خیالی به نام «یوناتارای گم‌شده» را می‌بیند و از او صبرکردن را می‌آموزد و اهدافش را دنبال می‌کند و آینده‌اش را به‌درستی می‌سازد.

۵. ۲. علل به‌وجودآمدن احساس حقارت: محیط مدرسه

سه عامل در محیط مدرسه، باعث ایجاد عقده‌ی حقارت در افراد می‌شود: نقش دانش‌آموزان در ایجاد عقده‌ی حقارت، نقش صفات عجیب و غیرعادی در ایجاد عقده‌ی حقارت و نقش سرزنش مربیان در ایجاد عقده‌ی حقارت.

۵. ۲. ۱. نقش دانش‌آموزان در ایجاد احساس حقارت در دیگران

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اولین محیط پیدایش و شکل‌گیری احساس حقارت در افراد، محیط خانه است. شخصی که در محیط خانه دچار احساس حقارت باشد، نمی‌تواند در محیط مدرسه خود را فارغ از مجموعه‌ای از احساس‌های حقارت ببیند. حتی در برخی مواقع که در خانه به کودک بیش‌ازحد توجه می‌شود، کودک در محیط مدرسه دچار احساس حقارت می‌شود؛ زیرا دیگران به‌اندازه‌ی والدین به او توجه ندارند. نقش دانش‌آموزان در ایجاد احساس حقارت در دیگران، از دو بخش آزار فیزیکی و انواع آن و نقش صفات غیرعادی و عجیب که همان تمسخر و برچسب‌زدن است، تشکیل شده است.

۵. ۲. ۱. ۱. نقش دانش‌آموزان در ایجاد احساس حقارت در شخصیت توکا در

کتاب کنسرو غول

توکا شخصیت اول کتاب *کنسرو غول*، پسری تنها، منزوی و گوشه‌گیر است. چنین فردی نمی‌تواند در محیط مدرسه محبوب باشد یا دوستی برای خود داشته باشد. او احساس حقارت دارد و دیگران (هم‌کلاسی‌ها) از احساسات او سوءاستفاده کرده، او را اذیت می‌کنند و آزار می‌دهند. آزار هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها به توکا، به شکل آردنگی‌زدن، هل‌دادن و گرفتن کیف او و پرتاب‌کردن برای یکدیگر است. توکا وابستگی شدیدی به کیفش دارد؛

زیرا این کیف متعلق به پدرش است و گرفتن کیف و جدا کردن از او، برایش آزار روحی محسوب می‌شود. آزارهای جسمی هم‌کلاسی‌ها نیز با شکستن انگشت اشاره‌ی دست راستش، شدت می‌یابد. تمسخر و بددهانی، دیگر آزارهایی است که هم‌کلاسی‌ها به توکا می‌دهند. در بیرون از مدرسه نیز یکی از هم‌مدرسه‌ای‌ها آزارش می‌دهد و او را تهدید می‌کند.

آزار و اذیت توکا از سوی دانش‌آموزان مدرسه: اذیت و آزار فیزیکی و جسمی که دانش‌آموزان مدرسه به توکا وارد می‌کنند باعث افزایش احساس حقارت توکا می‌شود. تمسخر و برچسب‌زدن به او نیز آزار روحی محسوب می‌شود. حتی زمانی که معلمش به او توجه می‌کند، هنوز هم از دیدگاه دانش‌آموزان مهم شمرده نمی‌شود؛ اما این مشکلات برای توکا همیشگی نیست. پس از کشف استعداد بی‌ظنیش در درس ریاضی، دست از تلاش برای دیده‌شدن برنمی‌دارد. این مسئله گامی مؤثر در رفع احساس حقارت در اوست. «بچه‌ها کتکم که می‌زدند کلی تفریح می‌کردند» (رجبی، ۱۳۹۳: ۷)؛ «عادت داشتم از کوچه‌پس‌کوچه‌های خلوت بروم تا بچه‌های مدرسه کم‌تر کرم بریزند. سرگرمی‌شان این بود که کیفم را بگیرند و مثل توپ والیبال پرتش کنند برای هم. طرف هرکدام هم که می‌رفتم اُردنگی می‌خوردم» (همان: ۱۰)؛ «پروکلی دست کرد توی جیبم و پولم را کشید بیرون» (همان: ۳۸ و نیز رک. ۲۰۳، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۵۲، ۱۳۳، ۱۳۲، ۸۲، ۷۹، ۷۷، ۳۸، ۲۹).

باتوجه به شکل‌گیری احساس حقارت توکا در خانه، وجود این موارد در محیط مدرسه تنها به عمیق‌شدن احساس حقارت او می‌انجامد و توکا با وجود داشتن حقارت، به‌تنهایی نمی‌تواند آزار، تهدید و تمسخر اطرافیان در محیط مدرسه را تاب بیاورد. بدین گونه محیط مدرسه و هم‌کلاسی‌ها نقش مؤثری در به‌وجودآمدن احساس کهنتری و تشکیل عقده‌ی حقارت در شخصیت توکا دارند.

۵. ۲. ۱. ۲. نقش دانش‌آموزان در ایجاد احساس حقارت در شخصیت پرویز در

کتاب کنسرو غول

پرویز شخصیت جنایتکار کتاب کنسرو غول در بازگویی خاطراتش در جمله‌ای وضعیت خودش را در مدرسه این‌گونه توصیف می‌کند: «تو مدرسه بچه‌ها دمارش رو درمی‌آوردن و بهش سیخونک می‌زدن. فقط به خاطر صدای جیغ‌جیغی و موهای

پرکلاغی‌اش» (همان: ۲۰). پرویز را در دوران کودکی دانش‌آموزان مدرسه تحقیر، تمسخر، آزار و اذیت بسیاری کرده‌اند و تنفر او از مدرسه به فرار و بزهکار شدنش منجر می‌شود.

۵. ۲. ۱. ۳. نقش دانش‌آموزان در ایجاد احساس حقارت در شخصیت بشیر در

کتاب یوناتارای گم‌شده

بشیر، عینکی، لاغر و ریزجته است و این مسئله باعث بروز احساس حقارت در او شده است. او در مدرسه تنها یک دوست به نام سلمان دارد. بشیر شاگرداول کلاس است؛ اما احترام و توجه از هم‌کلاسی‌ها دریافت نمی‌کند. نقش دانش‌آموزان در ایجاد احساس حقارت در بشیر از نوع تمسخر و برچسب‌زدن است و در بخش بعدی بررسی می‌شود.

۵. ۲. ۲. نقش صفات غیرعادی و عجیب در ایجاد احساس حقارت در دیگران

از دیگر عواملی که احساس و عقده‌ی حقارت را در کودک و نوجوان پرورش می‌دهد، برچسب‌زدن یا انتخاب صفات غیرعادی و عجیب برای فرد از جانب خانواده یا دانش‌آموزان است. کودک یا نوجوان به‌دلیل ایرادی که در ظاهر یا خلق و رفتار و... دارد، برچسب می‌خورد که باعث ایجاد احساس حقارت در او می‌شود. «وجود پاره‌ای از صفات یا نشانه‌ها و یا خصوصیات غیرعادی و عجیب و غریب در پاره‌ای از افراد بدون آنکه جنبه‌ی کهنتری واقعی داشته باشد، آنان را در معرض تمسخر و ریشخند قرار می‌دهد. گاهی برای این نوع افراد اسم مضحک یا مستهجنی می‌سازند که در تمام مدت زندگی، آن اسم دامن‌گیر آن‌هاست» (منصور، ۱۳۶۹: ۲۱).

۵. ۲. ۱. نقش صفات غیرعادی و عجیب در ایجاد احساس حقارت در شخصیت

توکا، کتاب کنسرو غول

در کتاب کنسرو غول، فامیل توکا گرمی است، دانش‌آموزان او را در مدرسه به‌دلیل لاغر و ضعیف بودن «کرم خاکی» صدا می‌زنند: «اما بچه‌های مدرسه عاشق فامیلی‌ام شدند. اول‌ها صدام می‌زدند گرمی و بعدترها شدم کرم خاکی!» (رجبی، ۱۳۹۳: ۷). او ناامیدانه این صفت را می‌پذیرد و در ظاهر رنجی از تحمل آن بروز نمی‌دهد. شاید دلیل اینکه توکا هم برای برخی از دانش‌آموزان مدرسه از جمله رامین، بابک و پژمان، اسامی بروکلی، کباب و ژاکت ساخته است، همین مسئله باشد. او حتی زمانی که غول خیالی‌اش ظاهر می‌شود، خودش را از زبان غول کرم خاکی می‌خواند: «غول تندتند پلک زد و گفت: کرم خاکی... بچه‌ی زن

چاق» (همان: ۸۶ و نیز رک. ۱۳۳، ۱۰۶، ۹۷، ۸۸). صفت کرم خاکی برای توکا ماندگار نمی‌ماند. او پس از ثابت کردن خویش در مدرسه طرفداران زیادی پیدا می‌کند.

۵. ۲. ۲. نقش صفات غیرعادی و عجیب در ایجاد احساس حقارت در شخصیت

پرویز، کتاب کنسرو غول

صفات عجیب و غیرعادی دامن‌گیر شخصیت پرویز نیز شده است. در مدرسه او را به دلیل صدای نامناسب و موهای بسیار سیاه و پرکلاغی «کلاغ» می‌خوانند: «می‌گن... یارو موهای سیاه پرکلاغی بوده. براق! خوش نداشته خیلی توی جمع وِر بزنه، چون صدایش عین قارقار کلاغ بوده، زشت! نکبتی! واسه خاطر همین، پشت سرش صدایش می‌زدن کلاغ! اسم خودش پرویز بوده» (همان: ۱۹). در بزرگسالی و پس از جنایتکار شدن، پرویز موهایش را می‌تراشد و به «کِ کِ» که به گفته‌ی خودش مخفف کلاغ کچل است، معروف می‌شود: «آره اون یارو پرویز خود من بودم. اسم مهم نبود. دو سال بعد معروف شدم به کِ کِ یعنی کلاغ کچل!» (همان: ۳۳-۳۴). در دوران کودکی و ایام مدرسه، هم‌کلاسی‌های پرویز او را کلاغ صدا می‌زدند. زمینه‌های تحقیر و کهنتری پرویز از همان روزها آغاز می‌شود. این صفت در ذهن پرویز نهادینه شده و نام مستعار و لقب خود را از آن دوران که ناشی از حقارتش است، وام گرفته است.

۵. ۲. ۳. نقش صفات غیرعادی و عجیب در ایجاد احساس حقارت در شخصیت

بشیر، کتاب یوناتارای گم‌شده

بشیر شخصیت اصلی کتاب یوناتارای گم‌شده، در محیط مدرسه با تمسخر و برچسب‌زدن دانش‌آموزان روبه‌روست. افزایش احساس حقارت و انزوای بشیر، تحت تأثیر رفتارهای دانش‌آموزان مدرسه و کلاس با اوست: «پایم را که گذاشتم توی مدرسه، دو تا از کلاس پنجمی‌ها داد زدند: آن ذره‌بین آمد. آن ذره‌بین در باران آمد. آن ذره‌بین اسب دارد. آن ذره‌بین خر است. آن ذره‌بین گاو من است.» (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۸ و نیز رک. ۵۳، ۵۰، ۴۹، ۲۲).

دانش‌آموزان بشیر را به خاطر ضعیف بودن چشم‌هایش مسخره می‌کنند و به دلیل بزرگ بودن و ضخیم بودن شیشه‌های عینکش، او را ذره‌بین صدا می‌زنند. بشیر به جثه‌ی کوچک و اندام نحیف و ضعیف بودن چشم‌هایش که عوامل اصلی ایجاد کهنتری در اوست، معترف است. احساس‌های حقارت درونی و روانی‌اش که قبل از مدرسه در

شخصیتش شکل گرفته و با مرگ مادر و گرفتاری و انزوای پدر درهم آمیخته، در محیط مدرسه تشدید می‌شود.

همان‌طور که در نمونه‌ها مشاهده شد، دانش‌آموزان مدرسه، عینک بزرگ و ته‌استکانی بشیر را سوژه قرار داده و به او لقب ذره‌بین داده‌اند. بشیر تنها فردی از میان آثار رجبی است که رنج بیشتری از برچسب‌خوردن و صفات غیرعادی و عجیب می‌برد. میزان رنجش او را در آرزویش نیز می‌بینیم: «از همان زنگ اول حواسم پرت نامه‌ای بود که باید به شاه‌ماهی دریا می‌نوشتیم. نمی‌دانستم از میان آن‌همه آرزو کدامشان را باید بنویسم. آن‌قدر حرف داشتم برای شاه‌ماهی یا که می‌ترسیدم نکند وقت نداشته باشد که همه‌شان را بخواند. تازه وقت خواندنشان را هم اگر داشت، آن‌همه آرزو را چه جور می‌خواست برآورده کند؟! برای اینکه من بتوانم مامانم را ببینم، دو راه بیشتر نداشت: یا من را ببرد به آسمان یا مامانم را بیاورد توی بندر. اگر قصه‌ها راست باشند، هیچ‌کدام از این‌ها کاری ندارد برای شاه‌ماهی. آرزوی دیگرم این بود که بابام هرروز به دریا نرود. آن‌قدر دست‌هایش پینه نبندد. ریش‌هایش سفید نشود یا اینکه کاش می‌شد من هم مثل بقیه‌ی بچه‌ها بدون عینک می‌توانستم تخته‌سیاه را ببینم. اگر من عینک نزنم، دیگر هیچ‌کس ذره‌بین صدایم نمی‌زند. خدایا چقدر حرف داشتم با شاه‌ماهی دریا!» (همان: ۲۱)

اما رنج و ناراحتی بشیر از لقب ذره‌بین پس از انتخاب هدف اصلی‌اش در زندگی به پایان می‌رسد.

۵.۲.۳. نقش سرزنش مربیان در ایجاد احساس حقارت در دانش‌آموزان

سرزنش مربیان و معلمان در ایجاد احساس حقارت در دانش‌آموزان نقشی اساسی و مؤثر دارد. توهین، تمسخر، برچسب‌زدن، تهدید، تحقیر و آزار و اذیت فیزیکی از جانب مربی و معلم می‌تواند احساس حقارت و به‌تبع آن عقده‌ی حقارت را در دانش‌آموز ایجاد و تشدید کند و حتی پیامدهای مخربی داشته باشد که در اجتماع و آینده‌ی او تأثیر بگذارد. «پاره‌ای از مربیان و معلمان در مدرسه، دانش‌آموز را به علت آنکه از عهده‌ی انجام دروس خود برنیامده‌اند به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در برابر تمام شاگردان سرزنش می‌کنند، حال آنکه دانش‌آموز تا آنجا که توانایی داشته در کار خود سعی و کوشش کرده است» (منصور، ۱۳۶۹: ۱۸). حسینی معتقد است برای کمک به

کودکان و نوجوانان باید آن‌ها را شناخت و درک کرد. شناخت خصوصیات سنی و توانایی‌ها و نیازهای کودکان برای هر مربی ضروری است. تشویق نیز مسئله‌ای است که در از احساس حقارت رنج می‌برند، نقش بسزایی دارد؛ زیرا اگر به آن‌ها توهین شود یا سرزنش شوند، احساس حقارت در آنان تشدید خواهد شد. تشویق می‌تواند اعتماد به نفس از دست‌رفته‌ی آنان را بازگرداند (رک. حسینی، ۱۳۶۹: ۳۵).

۵. ۲. ۳. ۱. نقش سرزنش مربیان در ایجاد احساس حقارت در شخصیت توکا، کتاب کنسرو غول

معلم مدرسه‌ی توکا (خانم رونده) که بچه‌ها او را جلاد صدا می‌زنند، بارها توکا را تحقیر و سرزنش می‌کند: «جلاد از پشت سر آمد و یقه‌ام را گرفت. فرستادم پای تخته و مراسم شکنجه‌ی وحشیانه‌ام شروع شد» (رجبی، ۱۳۹۳: ۳۰)؛ «جلاد شانه‌ام را تکان داد و تو صورتم داد زد: ببین گرمی! دفعه‌ی دیگر مشق نوشتی حق نداری پات رو بذاری تو مدرسه‌ها! اخراجت می‌کنم! با این درس خوندنت هیچی نمی‌شی جز یک انگل اجتماع! فهمیدی؟!» (همان: ۳۱)؛ «جلاد سرم داد کشید: مطمئن باش انگل اجتماع می‌شی! حتماً می‌برنت تیمارستان! روانی!» (همان: ۸۱ و نیز رک. ۱۷۰، ۱۵۰، ۱۳۰، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۶۵، ۳۰).

خانم رونده یا به اصطلاح دانش‌آموزان جلاد، معلمی بی‌حوصله، نامهربان و تبعیض‌گر است. او فقط به ژاکت، شاگرداول کلاس، اهمیت می‌دهد. حتی زمانی که خانم رونده متوجه استعداد توکا در درس ریاضی می‌شود از آن به نفع خود استفاده می‌کند و استعداد توکا برایش مهم نیست: «جلاد پررو گفت: من خیلی باهوش تمرین می‌کنم. مگه نه گرمی؟ الکی سر تکان دادم. آخه مزخرف می‌گفت، هیچ هم تمرین نمی‌کرد. فقط بلد بود پا بکوبد رو زمین و آدم را هول کند» (همان: ۱۷۱)؛ «جلاد بقیه‌ی معلم‌ها را دعوت کرده بود تا پُر بدهد» (همان: ۱۷۹)؛ «جلاد گفت: می‌تونه آقای پروانه! من باهوش چند ماهه تمرین می‌کنم! مگه نه توکا؟ چند ماه؟! مزخرف می‌گفت. یه‌جوری نگام می‌کرد که یه وقت چرت‌وپرت اضافه نگویم» (همان: ۱۹۴ و نیز رک. ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۴). پیشرفت توکا در درس ریاضی تا سطح جهانی پیش می‌رود و سرزنش معلم به‌عنوان مؤلفه‌ای در ایجاد احساس حقارت در توکا نه‌تنها از بین می‌رود

بلکه معلمش به او حسودی می‌کند (رجب‌بی در کتاب کنسرو غول به معلم پرویز اشاره‌ای نکرده است).

۵. ۲. ۳. ۲. نقش صفات غیرعادی و عجیب در ایجاد احساس حقارت در شخصیت بشیر، کتاب یوناتارای گم‌شده

آقای ساعدی در یوناتارای گم‌شده معلم دیگری است که در آثار رجب‌بی وجود دارد؛ اما همانند خانم رونده در کنسرو غول دانش‌آموزانش را توهین و تمسخر نمی‌کند. آقای ساعدی معلم بشیر است و از تحقیر و تمسخرهای سایر شاگردان به بشیر ناراحت می‌شود. روش تدریس آقای ساعدی سنتی است؛ اما باتوجه‌به نمونه‌های اندکی که درباره‌ی او موجود است، تأثیر چندانی در به‌وجودآمدن احساس حقارت در دانش‌آموزان ندارد. بشیر می‌گوید: «حالا مار زبانش را برایم بیرون آورده بود و فش فش می‌کرد. چرخیدم سر جایم. آقای ساعدی گوش مار را گرفت و سفت پیچاند» (رجب‌بی، ۱۳۸۶: ۲۳)؛ «برای اولین بار دفتر مشقم خالی بود. آقای ساعدی مرا برد پای تخته و به بچه‌ها گفت: بچه‌ها بشیر باید چند تا ترکه بخورد؟... بچه‌ها که عدد می‌گفتند آقای ساعدی سر می‌چرخاند و نگاهشان می‌کرد. ... آقای ساعدی گفت: که این‌طور! من یک ترکه هم به شاگرد اول کلاس نمی‌زنم، به شرط اینکه آخرین بارش باشد. بعد رو کرد به من و گفت: تکرار نمی‌شود بشیرخان مگر نه؟» (همان: ۴۹)؛ «از جایم بلند شدم و داد زدم: زنید آقا! زنید! آقای ساعدی تعجب کرده بود. دنده‌ام زیر سئلمه‌های سلمان تیر می‌کشید. آقای ساعدی خط‌کش را آرام پایین آورد و با ناراحتی سرش را برای مجیدی و سبحانی تکان داد. سرفه کرد و گفت: خجالت هم خوب چیزی است! گورها گم!» (همان: ۵۰).

نقش دانش‌آموزان مدرسه در کنسرو غول متفاوت است؛ تغییر می‌کند و رو به بهبودی می‌رود؛ اما در یوناتارای گم‌شده منفعل است. فرار و رهاکردن مدرسه در پرویز روی دیگری دارد که به دلیل فشارهایی که دانش‌آموزان به او وارد می‌کنند، نفرت معناداری از مدرسه و درس در پرویز ایجاد می‌کند. محیط ناامن و بد، چه در خانه و چه در مدرسه، مهم‌ترین عامل در بزه‌کار و جنایتکار شدن اوست که تأثیر فراوانی در ایجاد و گسترش احساس حقارتش داشته است.

۶. نتیجه‌گیری

محیط به‌منزله‌ی عاملی تأثیرگذار در ایجاد احساس حقارت در شخصیت‌های این دو کتاب نقش بسیاری دارد. توصیف، تأثیر و نقش عوامل محیطی در مدرسه همچون آزار و اذیت دانش‌آموزان، انتساب صفات ناپسند و غیرعادی و سرزنش مریبان، از نقش و تأثیر عوامل محیطی در خانه چون داغ‌دیدگی، افسردگی والد، نداشتن سرپرست مناسب و فقر در شکل‌گیری احساس حقارت در شخصیت‌های این دو اثر بیشتر مشاهده شد؛ همچنین تأثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری احساس حقارت نیز چه در خانه و چه در مدرسه در کنسرو غول بیشتر از یوناتارای گم‌شده مشاهده شد. در بررسی شخصیت‌ها نیز تأثیر محیط خانه و مدرسه در شکل‌گیری احساس حقارت در توکا، شخصیت اصلی کتاب کنسرو غول، بیشتر از بشیر و پرویز دیده شد.

از آنجاکه تحلیل و بررسی نظریات روان‌شناسان در زندگی روزمره به‌کار می‌آید، می‌توان مشکلات روان‌شناختی کودک و نوجوانان را به کمک این تحلیل‌ها شناسایی کرد و انگیزه‌ی لازم را برای برطرف کردن آن‌ها به‌دست آورد. وجود مشکلات روان‌شناختی شخصیت‌ها در این دو اثر، نشان از علاقه‌ی نویسنده به مسائل و مشکلات روان‌شناختی است که نه‌تنها از ناخودآگاه نویسنده سرچشمه گرفته است و می‌تواند در کودکی وی ریشه داشته باشد، بلکه می‌تواند تطابقی واقع‌گرایانه با شخصیت‌های جامعه داشته باشد. محیط نقشی اساسی در شکل‌گیری شخصیت هر فرد در زندگی دارد و ایجاد انگیزه‌ی لازم برای رفع مشکلات روان‌شناختی از طریق تأثیر داستان بر مخاطب، گامی در مسیر توانمندسازی نوجوانان است. از آنجاکه این پژوهش بینارشته‌ای است، متن داستان و نمونه جملات آن، پایه و اساس بررسی و تحلیل نظریه‌ی آدلر در این پژوهش است. بازخورد به‌کارگیری این مؤلفه‌ها در داستان می‌تواند هم به شناخت مشکلات روان‌شناختی در مخاطب کمک کند و هم نویسندگان کودک و نوجوان را برای نگارش آثاری که زمینه‌ی روان‌شناسانه دارد ترغیب کند؛ چراکه از اهمیت و تأثیر داستان بر مخاطب و کتاب‌درمانی، در کاهش مشکلات کودک و نوجوان نباید غافل شد. کاهش و حل این‌گونه مشکلات در مخاطب کودک و نوجوان از طریق کتاب‌درمانی راهکاری مؤثر و نوین است. تفسیر و ساده‌کردن نظریه‌های روان‌شناسان، می‌تواند در دریافت دیگرگونه از متن و محیطی که شخصیت‌ها در داستان رشد

می‌کنند، مؤثر باشد؛ همچنین به پژوهشگر و مخاطب در کاویدن ناخودآگاه نویسنده، هدف، علاقه، مهارت، ترسیم مشکلات جامعه و حل آن‌ها با روش‌های کاربردی روان‌شناسانه از طریق پرداختن به این موضوع‌ها یاری می‌رساند.

این دو اثر نتایج اخلاقی مؤثر و مثبت و پایان خوش دارد. این عبرت‌آموزی می‌تواند به‌گونه‌ی غیرمستقیم از طریق همانندسازی در مخاطب انگیزه‌ی لازم را برای تلاش کردن، رسیدن به هدف و رفع مشکلات ایجاد کند؛ همچنین خواندن این دو کتاب برای والدین نیز توصیه می‌شود و می‌تواند روشی ساده و ارزان در شناخت مشکلات عاطفی، شناختی و روانی فرزندان باشد. شاید به‌جرئت بتوان گفت در هیچ زمانی چون اکنون، خلأ آموزه‌های کاربردی روان‌شناسانه، احساس نمی‌شده است و تغییر در نوع و نگرش آموزه‌های اجتماعی گریزناپذیر است و شاید بتوان مهدی رجبی را در میان نویسندگان کودک و نوجوان معاصر، به‌واسطه‌ی قلم منحصربه‌فرد و رویکرد کاملاً متفاوت و ریزنگرانه‌اش، نویسنده‌ای متفاوت دانست. آثار وی برای والدینی که تلاش می‌کنند بر اساس آموزه‌های روان‌شناسی فرزندان‌شان را صحیح تربیت کنند، درس‌های بسیاری دارد.

یادداشت‌ها

(۱) مهدی رجبی متولد ۱۳۵۹ شمسی، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی سینما و فیلم‌سازی از دانشگاه صداوسیما و کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه تربیت مدرس است. رمان نوجوان کنسرو غول که در انتشارات افق و در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است، کتاب برگزیده‌ی کتابخانه‌ی مونیخ آلمان در سال ۲۰۱۵ و دریافت نشان نقره‌ای لاک‌پشت پرنده در سال ۱۳۹۴ و کتاب برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های برتر شده است.

منابع

آتش‌پور، سیدحمید و دیگران. (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*. اصفهان: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

آدلر، آلفرد. (۱۳۷۰). *روان‌شناسی فردی*. ترجمه‌ی حسن زمانی شرفشاهی، تهران: تصویر.

آقاپور، فرزانه. (۱۳۹۶). *تقابل در رمان نوجوان ایران (بررسی پنج رمان برگزیده)*. پایان‌نامه‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات غنایی، دانشگاه شیراز. اخوان علی‌زاده، الهه. (۱۳۷۴). «نقش خانواده در سلامت روان». تربیت، سال ۱۱، شماره‌ی ۱۰۴، صص ۲۱-۲۶.

اسدی، سمانه. (۱۳۹۶). «گذر کنسروها از سرزمین بوف‌های کور (واکاوی پیوندهای بینامتنی رمان کنسرو غول با بوف کور)». *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۸، شماره‌ی ۲، پیاپی ۱۶، صص ۳۱-۵۴.

ایرست، اورسولا و استورت، آلان ا. (۱۳۸۹). *روان‌درمانی آدلری*. ترجمه‌ی نیلوفر قادری زیر نظر محمود دژکام، تهران: ارجمند.

براید، مک و جیمز، ویلیام. (۱۳۷۱). *عقده‌ی حقارت و شکسته‌نفسی، مشخصات و راه علاج آن*. ترجمه‌ی حسام‌الدین امامی، تهران: کانون معرفت.

حسینی، افضل‌الملوک. (۱۳۶۹). «احساس حقارت در کودکان و نوجوانان». تربیت، سال ۶، شماره‌ی ۳، صص ۳۴-۳۶.

خدابخش، روشنگر؛ جعفری، مصطفی. (۱۳۹۳). «بررسی اثربخشی آموزش والدین با رویکرد آدلری بر سبک‌های مادران کودکان مبتلا به نافرمانی مقابله‌ای و کاهش نشانه‌های اختلال». *مطالعات روان‌شناختی*، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱، صص ۷-۳۰.

دیندار، فریبا. (۱۳۹۳). «به ممنوعه‌ها وارد شوید؛ نقد و بررسی کنسرو غول». *نقد کتاب کودک و نوجوان*، سال ۱، شماره‌ی ۳ و ۴، صص ۲۱-۲۸.

رجبی، مهدی. (۱۳۹۳). *کنسرو غول*. تهران: افق.

_____ (۱۳۸۶). *یوناتارای گم‌شده*. تهران: علمی فرهنگی.

ژیان جهانی، هدی و دیگران. (۱۳۹۶). «آدم شدن: خداباوری در روایتی پست‌مدرن و طنزآمیز». *زالال معنویت؛ مجموعه مقالات ششمین همایش ملی ادبیات کودک و نوجوان و معنویت، مشهد دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)*، با نظارت مهدخت پورخالقی چترودی، مشهد: همیاران جوان، صص ۲۹۵-۳۱۵.

_____ (۱۳۹۶). *تحلیل روان‌شناختی شخصیت در آثار مهدی*

رجبی بر اساس نظریه‌ی عقده‌ی حقارت آدلر. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه امام رضا (ع).

کریمی، یوسف. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی شخصیت*. تهران: مؤسسه‌ی نشر ویرایش.

گل‌پرور، محسن و دیگران. (۱۳۸۶). «رابطه‌ی اضافه‌وزن با اعتمادبه‌نفس، افسردگی، سبک زندگی و خودپنداره‌ی بدنی در زنان خود معرف به مراکز کاهش وزن». *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال ۹، شماره‌ی ۳۲، صص ۱۲۱-۱۴۴.

منصور، محمود. (۱۳۶۹). *احساس کهنتری*. تهران: دانشگاه تهران.

منوچهریان، پرویز. (۱۳۶۸). *عقده‌ی حقارت*. تهران: گوتنبرگ.

میرابوطالبی، معصومه و دیگران. (۱۳۹۶). «بازشناسی الگوی وارونه‌ی سفر قهرمان نوعی کمبل در رشد فردی نوجوان در فانتزی کنسرو غول». *مطالعات داستانی*، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱، صص ۷۲-۹۵.

Hoffman, E. (1994). *The drive for self: Alfred Adler and the founding of individual Psychology*. Reding, MA: Addison-Westley Publishing.

Orgler, H. (1963). *Alfred Adler, The Man and His Work: Triumph over the Inferiority Complex*. New York: Liveright.

Rajeshwari, N. K. (2012). "Relationship between Inferiority complex and Frustration in Adolescents". *Journal of Humanities and Social Science*, 2(2), PP.1-5.

Rietveld, G. (2004). "Similarities between Jewish philosophical thought and Adler's Individual psychology". *Journal of Individual psychology*, 6., 209-218.